

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي وَصْفِ بَيْعَتِهِ بِالْخِلَافَةِ قَالَ السَّيِّدُ الشَّرِيفُ: وَقَدْ تَقَدَّمَ مِثْلُهُ بِالْفَاظِ مُخْتَلِفَةٍ. وَ بَسَطْتُمْ يَدِي فَكَفَفْتُمَا، وَ مَدَدْتُمَا فَقَبَضْتُمَا، ثُمَّ تَدَاكُكْتُمْ عَلَى تَدَاكِّ الْإِبِلِ الْهَيْمِ عَلَى حِيَاضِهَا يَوْمَ وُرُودِهَا، حَتَّى انْقَطَعَتِ النَّعْلُ، وَ سَقَطَ الرَّدَاءُ، وَ وُطِئَ الضَّعِيفُ، وَ بَلَغَ مِنْ سُرُورِ النَّاسِ بِبَيْعَتِهِمْ إِيَّايَ أَنْ ابْتَهَجَ بِهَا الصَّغِيرُ، وَ هَدَجَ إِلَيْهَا الْكَبِيرُ، وَ تَحَامَلَ نَحْوَهَا الْعَلِيلُ، وَ حَسَرَتْ إِلَيْهَا الْكَعَابُ.

در توصیف بیعت مردم

ویژگیهای بیعت مردم با امام

دست مرا برای بیعت می‌گشودید و من می‌بستم، شما آن را به سوی خود می‌کشیدید و من آن را می‌گرفتم، سپس چونان شتران تشنه که به طرف آبشخور هجوم می‌آوردند بر من هجوم آوردید، تا آنکه بند کفشم پاره شد، و عبا از دوشم افتاد، و افراد ناتوان پامال گردیدند، آن چنان مردم در بیعت با من خشنود بودند که خردسالان شادمان، و پیران برای بیعت کردن لرزان به راه افتادند، بیماران بر دوش خویشان سوار، و دختران جوان بی‌نقاب به صحنه آمدند.